

گذری در کوی
نیک‌نامان



www.ketab.ir

استادان دانشگاه (۱)

عنوان: گذری در کوی نیک‌نامان (استادان دانشگاه ۱).

نویسنده: هیئت تحریریه مؤسسه فرهنگی - مطالعاتی شمس‌الشموس.

ناشر: انتشارات پناه.

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۴۰۲.

شمارگان: ۵۰۰ جلد.

قیمت: ۲۹۴,۰۰۰ تومان.

نشانی: تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان میرعماد، نبش کوچه دوست‌محمدی، پلاک ۱۵.

تلفن: ۰۹۱۰۱۹۳۲۱۱۴، ۸۶۰۳۰۹۵۱

عنوان و پدیدآورنده: گذری در کوی نیک‌نامان (استادان دانشگاه ۱) / هیئت تحریریه مؤسسه

فرهنگی - مطالعاتی شمس‌الشموس.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات پناه ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۲۶۰ ص. ۲ ج. عکس.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۴۲۱-۹-۱

فهرست نویسی: فیپا.

موضوع: استادان دانشگاه.

مدرسان -- ایران -- سرگذشت‌نامه.

college Teachers -- Iran -- Biography

شناسه افزوده: مؤسسه فرهنگی - مطالعاتی شمس‌الشموس.

رده‌بندی کنگره: LB۱۷۷۸/۴

رده‌بندی دیویی: ۳۷۸/۱۲

شماره کتابخانه ملی: ۹۵۲۴۸۰۵

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۶	محمد ابراهیم آیتی
۱۶	ایرج افشار
۲۸	توشیهیکو ایزوتسو
۳۸	احمد بیرشک
۵۰	جرج جرداق
۵۸	مهدی حائری یزدی
۶۶	عباس حژی
۷۶	حسین علی راشد
۸۴	عباس زریاب خویی
۹۶	سید جعفر سجادی
۱۰۶	غلامحسین شکوهی
۱۱۶	سید جعفر شهیدی
۱۲۸	سید مرتضی عسکری
۱۳۶	علی اکبر غفاری صفت
۱۴۶	سید محمدتقی فاطمی
۱۵۶	حمید فرزاد
۱۶۴	بدیع الزمان فروزانفر
۱۷۴	محمد حسن گنجی
۱۸۴	سید جلال الدین محدث ارموی
۱۹۴	کاظم مدیرشانه چی
۲۰۲	سید محمد حسن قاضی
۲۱۰	سید حسن قاضی طباطبایی
۲۱۸	علی محمد کاردان
۲۲۸	محمد جواد مشکور
۲۳۶	مرتضی مطهری
۲۴۶	عبدالحسین نوایی

مقدمه

استاد یکی از بهترین دانشگاه‌های پایتخت است. می‌گوید: ده دوازده بچهٔ قدونیم‌قد بودیم که حالا هرکدام جایی از کرهٔ زمین زندگی می‌کنیم. یکی دو نفرمان به رحمت خدا رفته‌اند و باقی همه درس خوانده و به جایی رسیده‌اند. می‌گوید: همهٔ این پیشرفت‌ها را اول مدیون پدر و مادرم هستم و بعد معلمان و استادانم. می‌گوید: وقتی لیسانس گرفتم، برای ادامهٔ تحصیل، به اروپا رفتم؛ از یکی از دانشگاه‌های خوب پذیرش گرفتم و تا پایان دکتری درس خواندم. آن سال‌ها به او بسیار سخت گذشت: چه شب‌هایی که با گرسنگی سر کرد و چه لذت‌هایی که بر خود حرام کرد تا بتواند درس بخواند و پیشرفت کند! می‌گوید: گاهی چند ماه می‌گذشت و در سبد غذایی فقیرانه‌ام خبری از گوشت نبود. این استاد سال‌هاست که به ایران برگشته است و حالا آن قدر درآمد دارد که بتواند بهترین زندگی را برای خانواده‌اش فراهم کند. هنوز مثل قبل، ظاهرش مرتب و تروتیمز و ساده است. سال‌ها با یک پیکان قدیمی مدل پنجاه و چند، مسیر خانه تا دانشگاه را طی می‌کرد. بعدها مدتی رئیس دانشگاه شد. دیگر درآمدش با مقرری ناچیز روزهای دانشجویی در اروپا قابل مقایسه نبود، اما باز هم همان سخت‌گیری‌های عجیب و غریب را در خرج کردن بیت‌المال داشت. خیلی‌ها می‌گفتند فلانی خسیس است، دستش به خرج کردن نمی‌رود، اما کمتر کسی می‌دانست که او به زندگی دانشجویانش حساس است؛ آن سال‌ها حواسش به باغبان پیر محوطهٔ دانشکده هم بود؛ پرداخت ماهیانه‌ای که می‌گذاشت در پاکت نامه و با احترام می‌فرستاد برای بچه‌محصل‌های مستخدم دانشکده تا سال‌ها همچنان برقرار بود. بودجه‌ای را که بابت مسئولیت‌های مختلف دانشگاهی در اختیارش می‌گذاشتند دلسوزانه صرف می‌کرد و در کنار قناعتی که در زندگی به خرج می‌داد هوای آدم‌های دوروبرش را داشت.

دنیا پر است از آدم‌هایی مثل او که فقر و سختی‌های زندگی آن‌ها را تشنهٔ ثروت نکرده است؛ برایشان توجیه دست‌زدن به کار ناشایستی نبوده؛ و بعدها هم بهانهٔ عقده‌گشایی و جبران

افراطی نداشته‌های سال‌های جوانی‌شان نشده است، آدم‌هایی که در خودشان نمانده‌اند؛ دنیا را همین یکی دو روز ندیده‌اند؛ و دیگران را هم در داشته‌های خود سهیم کرده‌اند. دوست داشتیم نگاهی بیندازیم به زندگی افرادی از این دست: چه شد که این‌گونه شده‌اند؟ چطور شد که فلان استاد دانشگاه را همه به راستی و درستی می‌شناسند؟ شاید به این دلیل که در هر موقعیتی، خواه در کلاس‌های درس دانشگاه خواه در پُست‌های اجرایی، همه‌جا، پاک‌دستی‌اش را حفظ می‌کند و امانت‌دار است، امانت‌دار استعدادهایی که برای پرورش و تربیت به دستش سپرده‌اند و اموالی که به موجب مسئولیتی اجرایی در اختیارش گذاشته‌اند.

این روزها به علت اقتضات خاص عصر ارتباطات بیشتر از هر زمان، سیاهی‌ها پررنگ شده است؛ کافی است از کسی خطایی سر بزند تا اخبار و اطلاعات مربوط به آن به سرعت در همه‌جا درز کند. در این روزگار، که مغز ما به‌طور طبیعی و ناخواسته بیش از هر زمان دیگری در معرض انفجار اطلاعاتی قرار دارد، به سیاهی می‌توان به وادی ناامیدی افتاد و با خود گفت: مگر کسی هم پایبند اخلاقیات باقی مانده است؟ کسی می‌توان مدیریت را پیدا کرد که به راحتی در مقابل پیشنهاد رشوه «نه» بگوید؟! مگر دیگر می‌توان کسی را پیدا کرد که برگشتن حقیقت اصرار کند و منافعش را نادیده بگیرد؟! از این «مگر»ها، بسیار می‌توان گفت، اما واقعیت این است که به‌لذت هنوز هم هستند کسانی که فارغ از منفعت‌طلبی راه خود را می‌روند و فارغ از آنچه روزگار به آن‌ها تحمیل می‌کند به دنبال راستی و درستی‌اند. کافی است به دوروبرمان نگاهی بیندازیم و خاطراتمان را مرور کنیم؛ حتماً در کنار سیاه‌کاری‌ها و نقص‌ها، به ماجراهایی برمی‌خوریم که گاه تا مدت‌ها فکرم‌ان را مشغول کرده و حتی مسیر زندگی‌مان را تغییر داده است. تاریخ پر است از سرگذشت کسانی که چراغ به دست به شب‌های تاریک دنیا روشنایی بخشیده‌اند، آدم‌هایی با قصه‌های خودشان که هر کدام در جایی از نقشه خدا قرار گرفته‌اند و وجودشان مایه دلگرمی است و روشنی چشم، آدم‌هایی از جنس خودمان که خوبی‌هایی داشته‌اند و شاید چند تایی هم بدی. در این کتاب، می‌خواهیم از همین آدم‌ها بگوییم. قصد نداریم آن‌ها را بر مسند

خطاناپذیری بنشانیم، اما شرط انصاف این است که آدم‌ها را در قالب مجموعه‌ای از خوبی‌ها و بدی‌ها ببینیم.

بیاید همراه ما نیم‌نگاهی بیندازید به این آدم‌ها. از سختی‌ها و مرارت‌هایشان مختصری خواهیم گفت؛ از پیشرفت‌ها و موفقیت‌هایشان هم؛ از دوستان و دشمنانشان؛ از خاطراتشان؛ و خلاصه مسیری را که در زندگی طی کرده‌اند دنبال خواهیم کرد. می‌خواهیم از هرکدامشان چیزهایی یاد بگیریم. می‌دانید؟ گاهی عمیق شدن در زندگی بعضی اشخاص، به خصوص اگر به موفقیتی رسیده باشند، بدون کلاس و کتاب حکم معلمی را دارد که به رایگان درس زندگی می‌دهد؛ نه آنکه فقط درس بدهد؛ بالاتر از آن، درس را پیش چشم مجسم می‌کند. برای آموختن همین درس‌های زندگی بود که به سراغ کسانی رفتیم که هرکدام در زمینه علمی و کاری خود به موفقیت‌های بزرگی رسیده‌اند؛ از بهترین‌های علمی، ادبی یا هنری تاریخ این سرزمین بوده‌اند؛ و در کنار تمام افتخاراتشان، اخلاق انسانی هم خوش درخشیده‌اند. قطعاً نکته‌های اخلاقی و درس‌آموز بسیاری از آنان می‌توان آموخت.

شنیدن و خواندن خاطرات این بزرگان آن قدر دل‌نشین است که برای بسیاری الهام‌بخش خواهد بود: آیا شورآفرین نیست اینکه بشنویم پزشکان دلسوزی بوده‌اند که بدون هیچ چشمداشتی کوچه‌به‌کوچه به دنبال درمان بیماران فقیر می‌رفتند و از خرج دارو گرفته تا کرایه ماشینشان را حساب می‌کردند یا سرگذشت معلمی که برای شاگردان بی‌بضاعتش از هیچ کاری دریغ نداشت و حتی سروصورت بچه‌ها را با دست خود شست و شو می‌داد یا شرح حال استادی که به دست خود برای فقرای شهر حواله کمک می‌نوشت و تا پایان عمر او، جز چند نفری که در این کار کمکش می‌کردند، هیچ‌کس نمی‌دانست این حواله‌ها از طرف چه کسی است یا برخورد شاعری که آوازه ظلم ستیزی‌اش تا آن طرف مرزها رفته بود، اما پای صحبت سارق اشعارش می‌نشست که ابیات خود او را آورده بود تا برایش اصلاح کند؟! چه بسیار بزرگانی که به حق

بزرگ بودند و شریف! هیچ بدگویی و توهین و تهدیدی آن‌ها را به مقابله به مثل و تلافی وادار نکرد؛ شریف زندگی کردند و پاک از این دنیا رخت بربستند.

به همین منظور، شروع به کار کردیم. تصمیم گرفته‌ایم در چندین مجلد به زندگی این بزرگان بپردازیم. جلد حاضر را به استادان دانشگاه اختصاص داده و ۲۶ نفر را انتخاب کرده‌ایم. از میان آن‌ها، بعضی چهره‌ها آشنا بودند؛ از ایشان زیاد شنیده بودیم؛ و پیش از آنکه ما به سراغشان برویم بودند کسانی که ذکرخیری از آنان کرده باشند. اما بعضی دیگر جز برای اهل فن شناخته شده نبودند. وجه اشتراک تمام این افراد شوقی است که از کودکی در وجودشان جوانه زده و تلاشی که برای رسیدن به قله‌های علم و ادب و هنر کرده‌اند، اما این کوشش و اشتیاق از ارزش‌های انسانی و اخلاقی غافلشان نکرده است. البته آن‌ها هم مثل هر انسان دیگری به دور از نقص و عیب و سهو و خطا نبوده‌اند؛ ما نیز از ابتدا به دنبال یافتن الگوهایی تمام‌وکمال نبوده‌ایم که چنین اسوه‌هایی را جز در وجود معصومان (ع) نمی‌توان جست‌وجو کرد.

برای داشتن تصویر نسبتاً روشنی از روزگار هر یک از این اشخاص، در ابتدا، شرح حال مختصرشان را ذکر کرده و سپس به بیان خاطرات شنیدنی‌شان پرداخته‌ایم. در این راستا، لازم است به چند نکته اشاره کنیم: چون اغلب این بزرگان از دنیا رفته‌اند، در نگارش شرح حال بیان نکات اخلاقی زندگی‌شان، از کتاب‌ها، مقالات، فیلم‌ها، وب‌سایت‌های معتبر و مصاحبه با اطرافیان و دوستانشان بهره برده و سعی کرده‌ایم ضمن چشم‌پوشی از مطالب مورد اختلاف به گفته‌های نزدیکانشان و اشخاص مورد وثوق استناد کنیم. از آنجا که بنا بر ذکر نکات آموزنده است، از بیان جزئیات زندگی افراد تا حد امکان صرف نظر کرده‌ایم. روشن است که هر یک از اشخاص انتخابی ممکن است طی زندگی خود به سبب اوضاع حاکم بر جامعه جهت‌گیری‌های سیاسی خاصی را تجربه کرده باشند؛ بر این باوریم که وجهه سیاسی هیچ یک از آنان بر جنبه علمی و اخلاقی شخصیتشان غلبه ندارد؛ بنابراین بدون در نظر گرفتن اتفاقات مربوط به این

بخش از زندگی‌شان، بنای کار را صرفاً بر شرح خاطرات اخلاقی گذاشته و از بیان حوادث سیاسی تا حد امکان صرف نظر کرده‌ایم. چون این چهره‌ها گاهی به القاب و عناوین علمی و اجتماعی مختلفی شهرت دارند، به منظور پرهیز از نسبت دادن یک لقب به ایشان یا تأیید آن و فرو گذاشتن القاب دیگرشان، تا حد امکان، از ذکر این عناوین صرف نظر کرده‌ایم. همچنین بدیهی است ذکر نام تمام استادان و آثارشان در مجموعه حاضر از عهده ما بیرون بوده است؛ ضمناً چون بنایمان صرفاً بر معرفی شخصیت اخلاقی افراد و بیان خاطرات تأثیرگذار از آن‌ها بوده است، نه پرداختن به کارنامه علمی‌شان، تنها به ذکر برخی آثارشان اکتفا کرده‌ایم.

مجموعه پیش‌رو حاصل بررسی‌ها و تحقیقات چندساله است و طبیعی است که مانند هر کتابی در کنار نقاط قوت نقص‌ها و کاستی‌هایی داشته باشد؛ از جمله اینکه در آن شرح حال برخی مفصل‌تر از بقیه نوشته شده و این امر نه به علت رجحان فردی بر فرد دیگر که در وهله اول به دلیل بیشتر بودن اطلاعات به دست آمده از آن‌ها یا فرازونشیب‌های بیشتر زندگی‌شان است که مجال مبسوط‌تری برای شرح می‌طبیعد آنجا که با وجود تلاش‌ها و پیگیری‌های مستمر امکان مصاحبه با نزدیکان تعدادی از چهره‌ها فراهم نشد، به مطالب کتاب‌ها و مصاحبه‌های موجود درباره‌شان قناعت کردیم؛ حتی در مواردی به ناچار، از نگارش شرح حال برخی افراد منتخب فهرست اولیه خود صرف نظر کردیم.

در پایان این نوشتار، شایسته است از تمام کسانی که با صبر و حوصله بزرگوارانه ما را در تهیه این مجموعه یاری دادند، به ویژه خانواده و نزدیکان این عزیزان، سپاسگزاری کنیم که اگر توجه و لطف و همراهی‌شان نبود، گردآوری خاطرات ارزنده این نیک‌نامان عرصه علم و فرهنگ و ادب به قوت فعلی میسر نمی‌شد.

هیئت تحریریه مؤسسه فرهنگی-مطالعاتی شمس‌الشموس